

گونه‌شناسی فرم کپره‌های ایران بر اساس محل استقرار و نوع سکونتگاه مستقر در آنها

^۱فائزه محسنی‌زاده کرمانی ۱، سمر حقیقی بروجنی^{۲*}، سیده پوران‌دخت سعادت‌نی^۳، سحر فائقی^۴،
سیده مرضیه طبائیان^۵

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده جامعه و رسانه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. / مرکز تحقیقات گردشگری، معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
^۲ استادیار، گروه معماری، دانشکده جامعه و رسانه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. / مرکز تحقیقات گردشگری، معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول.
^۳ استادیار، گروه معماری، دانشکده جامعه و رسانه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. / مرکز تحقیقات گردشگری، معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
^۴ استادیار، گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
^۵ دانشیار، گروه معماری، دانشکده جامعه و رسانه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. / مرکز تحقیقات گردشگری، معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

چکیده

کپر، گونه‌ای خاص از معماری بومی و روستایی ایران است که ریشه‌های آن به نخستین اشکال سکونت انسان باز می‌گردد و نشانگر تداوم شیوه‌های سنتی زیست در کنار تحولات معاصر است. این سازه‌ها در بسیاری از نقاط ایران، به ویژه در نواحی گرم و خشک یا بادخیز، هنوز به عنوان یکی از کارآمدترین الگوهای ساخت مسکن به کار می‌روند و همچنان مورد استفاده گسترده قرار دارند. ساخت کپر معمولاً با مصالح در دسترس محلی مانند شاخه و برگ نخل، نی، خاشاک و حصیر صورت می‌گیرد که حاصل تعامل پیچیده میان محیط طبیعی، نیازهای معیشتی و فرهنگ اجتماعی سازندگان آن است. در این پژوهش، تلاش شده است گونه‌های مختلف معماری کپر در ایران با تأکید بر تنوع فرم‌های پلان و حجم شناسایی، مستندسازی و طبقه‌بندی شوند. هدف پژوهش، ثبت دقیق این گونه‌های بومی و استخراج ظرفیت‌های نهفته در آنها برای الهام در طراحی‌های معاصر معماری ایران است. فرضیه پژوهش بر این مبنا است که فرم‌های متنوع کپر در مناطق مختلف کشور حاصل سازگاری هوشمندانه با شرایط اقلیمی، الگوهای فرهنگی و ساختارهای اجتماعی هر ناحیه است و می‌تواند به عنوان منبعی الهام‌بخش و کاربردی در بازتولید معماری پایدار معاصر عمل کند. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق بررسی اسناد تاریخی، منابع میدانی، مشاهده مستقیم، مصاحبه با سازندگان محلی و تطبیق نمونه‌های موجود گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که کپر‌ها در چهار فرم کلی گنبدی، مکعبی، نیم‌بیضی و نیم‌استوانه ساخته می‌شوند و هرکدام با عملکرد، اقلیم و شیوه زیست جوامع محلی ارتباط مستقیم دارند. به‌ویژه کپرهای جنوب‌شرق و شمال‌غرب ایران با فرم نیم‌بیضی و گنبدی برای سکونت

* نویسنده مسئول: E-mail: Haghighi.samar@khu.ac.ir

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "مفاهیم تأثیرگذار بر شکل‌گیری احساس تعلق به سکونتگاه‌های بومی کپر (مطالعه موردی: ساکنان کپر نشین بخش چاه‌دادخدا کرمان)" می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم و پنجم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) انجام شده است.

عشایری رایج است، در حالی که کپرهای خوزستان بیشتر به صورت منفرد و با مصالح متفاوت برای اقوام عرب ساخته می شوند. این تحقیق ضمن تقویت شناخت علمی، می تواند به حفاظت، بازآفرینی و بهره گیری خلاق از این گونه های معماری در طراحی های معاصر کمک مؤثر نماید.

■ واژگان کلیدی: معماری کپری، معماری روستایی، عشایر کپرنشین، گونه شناسی فرم.

■ مقدمه

جلگه خوزستان از جمله مناطقی است که طی دهه های اخیر، به رغم رشد شهرنشینی و گسترش مداخلات توسعه ای در سایر نقاط کشور، دستخوش تحولات کالبدی گسترده ای نشده است (Lloyd Kahn, 2010, II). در بسیاری از نواحی ایران که زادگاه سکونتگاه های ابتدایی بشر بوده، گونه های متنوعی از سازه های بومی همچنان در بافت زندگی دیده می شوند؛ به ویژه در جنوب و جنوب شرق کشور، کپرهای یکی از مهم ترین عناصر شکل دهنده معماری و سازمان فضایی منطقه به شمار می آیند. همان طور که لوید کان تأکید می کند، چه در گذشته و چه در حال حاضر، چیزهای زیادی می توان از ساختمان های بومی آموخت (همان، ۲۰۱۰، ۳۵). مسئله اینجاست که با وجود حذف یا جایگزینی بسیاری از این سازه ها، هنوز هم برخی از آن ها در نواحی خاص دوام آورده اند، اما دانش مدون و منسجمی از گونه شناسی آن ها در دسترس نیست. گونه های متنوعی از کپرهای در نقاط مختلف جهان توسط بومیان ساخته شده و می شوند که شامل نمونه های گوناگونی از فرم های کپری شامل مکعب، گنبد، استوانه، بیضی و مخروطی است و در ایران این فرم ها در قالب مکعب، نیم بیضی و گنبد دیده می شود. تنوع فرم این ساخت بافت های گیاهی تحت تأثیر عوامل متعددی شکل گرفته است که در این میان عوامل فرهنگی و اقلیمی نقش پررنگ تری را ایفا می کنند. این گفته به معنای بازگشت به شیوه سنتی ساخت و ساز نیست و نباید چشم بر کاستی های آن ها در پاسخ گویی به نیازهای کنونی بست؛ اما در شرایطی که منابع محدودتر و هزینه ها افزایشی شده اند، شناخت الگوهای اولیه ساخت، می تواند راهگشای برنامه ریزی های آینده و توسعه های کم هزینه تر باشد. در سراسر جهان فرم های متنوعی از کپرهای بومی مانند مکعب، گنبد، استوانه، بیضی و مخروطی ساخته شده اند. در ایران نیز گونه هایی با فرم مکعب، نیم بیضی و گنبد رایج هستند. این تنوع ساختاری بیش از هر چیز تحت تأثیر عوامل اقلیمی و فرهنگی شکل گرفته و مطالعه آن ها در بازخوانی ظرفیت های معماری بومی نقش مهمی دارد. در پژوهش های پیشین، توجه هایی پراکنده به این ساختارها شده، اما پژوهشی جامع که گونه های مختلف کپرهای ایرانی، نحوه استفاده و مناطق پراکندگی شان را هم زمان در نظر گیرد در دسترس نیست. هدف این پژوهش، شناسایی و گونه شناسی فرم کپرهای ایرانی بر اساس محل استقرار و نوع سکونتگاه آن هاست تا زمینه ای برای بهره برداری از الگوهای موفق معماری بومی فراهم شود. به طور کلی کارکرد کپرهای در سه جایگاه سکونتگاه روستایی، سکونتگاه عشایر و فضای اسکان موقت است. کپرهای ایران بیشتر در مناطق جنوب کشور مورد ساخته می شود، اما ساخته شدن نمونه هایی از آن را در دامنه های شمالی البرز، در میان اقوام ترکمن شمال کشور و در قالب سکونتگاه های موقت در دامنه زاگرس نیز مرسوم است که اغلب در بررسی های انجام شده مغفول مانده است.

دلایل تداوم ساخت این سازه ها را باید در عوامل متعددی چون بومی بودن مصالح، سادگی اجرا، پیوند فرهنگی با شیوه زیست و هزینه اندک جست و جو کرد. قابلیت جابه جایی سریع و مونتاژ آسان نیز باعث شده این فرم ها به ویژه در میان عشایر محبوب باشند. کپرهای معمولاً در سه کارکرد عمده: سکونتگاه روستایی، سکونتگاه عشایری و فضای اسکان موقت استفاده می شوند. هرچند در جنوب کشور بیش از دیگر نقاط رایج اند، نمونه هایی از آن ها در دامنه های شمالی البرز، در میان ترکمن های شمال ایران و نیز در دامنه های زاگرس به عنوان سکونتگاه موقت ساخته می شود؛ مناطقی که تاکنون کمتر در مطالعات مربوط به کپرهای مورد توجه بوده اند. براین اساس، مقاله حاضر تلاش دارد تا باتکیه بر تحلیل تطبیقی فرم های رایج، پراکندگی جغرافیایی و نقش عملکردی آن ها، بستری تحلیلی برای الگوسازی از ظرفیت های معماری بومی فراهم آورد.

■ مبانی نظری پژوهش

مطالعه و طبقه‌بندی گونه‌های بومی مسکن، به‌ویژه در سکونتگاه‌هایی که ریشه در سنت‌های محلی و اقلیم دارند، نیازمند تکیه بر نظریه‌هایی است که به فهم رابطه میان انسان، فضا و محیط کمک می‌کنند. در این زمینه، سه رویکرد نظری می‌توانند چارچوب اصلی پژوهش حاضر را تشکیل دهند: نظریه معماری بومی، نظریه ساختارگرایی در معماری، و نظریه سازگاری اقلیمی. نخست، نظریه معماری بومی^۱ که در دهه‌های اخیر توسط اندیشمندانی همچون پل الیور به‌طور جدی مطرح شده، بر این اصل استوار است که معماری بومی نه تنها حاصل محدودیت‌های اقلیمی و مصالح محلی، بلکه بازتابی از فرهنگ، اقتصاد و ساختار اجتماعی جوامع محلی است (Oliver, 2006, 15). در این نظریه، سازه‌هایی مانند کپر نه به‌عنوان یک فرم فرودست، بلکه به‌مثابه نتیجه‌ای بهینه از تعامل میان انسان و محیط مورد توجه قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، نظریه ساختارگرایی در معماری، به‌ویژه از دیدگاه آموس راپاپورت، تأکید دارد که اشکال معماری تحت تأثیر نظام‌های معنایی و نمادین هر فرهنگ شکل می‌گیرند. راپاپورت معتقد است که برای درک یک الگوی معماری، باید به «نظام‌های فرهنگی - معنایی» پشتیبان آن نیز توجه کرد (Rapoport, 1969, 46). بر این اساس، فرم‌های متنوع کپر‌ها در ایران را می‌توان به‌عنوان بازتابی از تنوع فرهنگی و کارکردی ساکنانشان تحلیل کرد؛ چراکه این فرم‌ها نه تنها با اقلیم و مصالح بلکه با سبک زندگی و الگوهای سکونت نیز گره خورده‌اند.

سومین نظریه، یعنی نظریه سازگاری اقلیمی، بر اهمیت تطابق فرم معماری با شرایط محیطی تأکید می‌کند. بر اساس این دیدگاه، پایداری یک سازه نه از طریق فناوری‌های نوین، بلکه از راه استفاده هوشمندانه از شرایط اقلیمی و مصالح بومی حاصل می‌شود (Fathy, 1986, 32). در مورد کپر‌ها، انتخاب فرم‌هایی مانند گنبدی یا نیم بیضی که تهویه طبیعی را بهبود می‌بخشند یا استفاده از پوشش گیاهی برای مقابله با گرمای شدید، نمونه‌هایی از این تطابق خلاقانه هستند.

از تلاقی این سه نظریه می‌توان نتیجه گرفت که بررسی گونه‌شناسی کپر‌های ایران، نیازمند نگاهی بین‌رشته‌ای است که اقلیم، فرهنگ، و عملکرد را هم‌زمان در نظر گیرد. درک این فرم‌ها بدون توجه به بافت فرهنگی و اقلیمی محل استقرارشان، به فهمی ناقص و گاه تقلیل‌گرایانه از معماری بومی منجر می‌شود. پژوهش حاضر بر آن است تا باتکیه بر این چارچوب نظری، الگوهای فرمی کپر‌ها را در بستر سکونتگاه‌های مختلف ایران تحلیل و طبقه‌بندی کند.

■ پیشینه سکونتگاه‌های بومی کپری

در بررسی لغوی، کپر در گویش بلوچ، خانه‌ای است از نی و بوریا؛ معادل آن را نیز می‌توان خانه نیی، کومه، آلونک و عریش دانست (معین، ۱۳۸۶). کپر سازه‌ای است که اسکلت آن از چوب درختان اقلیم متعلق به آن ساخته شده و اطراف آن با برگ یا حصیر بسته می‌شود. معماری بومی هر منطقه از دل شرایط اجتماعی آن شکل گرفته و در راستای پاسخگویی به وضعیت اقتصادی جامعه تداوم یافته‌است. از این رو به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که بخشی از نیازهای اقتصادی ساکنین را مرتفع سازد (ترشایی، اکرمی و عینی فر، ۱۴۰۰، ۱۰۷).

ان کارلو کاتالدی در کتاب "گونه‌شناسی اولیه"، به انواع کپر‌ها و چادرهای ساخته شده در جهان می‌پردازد (جان کارلو کاتالدی، ۱۹۸۲)، لوید کان (۲۰۱۰) نیز در مجموعه کتاب‌های "سرپناه" به بررسی گونه‌های کپر ساخته شده در سراسر جهان می‌پردازد. در مطالعات گونه‌شناسی مسکن روستایی توسط مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن که حاصل مطالعات اوایل دهه ۶۰ شمسی این سازمان است، نیز برای اولین بار اشاره‌ای به این گونه‌های سکونتی در ایران شده است. مطالعات اخیر پیرامون سکونتگاه‌های کپری به تفکیک محل قرارگیری آن در مقالات ارزشمندی ارائه گردیده است. در زمینه بررسی کپر‌های منطقه بلوچستان، مقاله "معرفی و بررسی ویژگی‌های مسکن روستایی سیستان و بلوچستان" از آقای محسن طبسی به توضیح اجمالی انواع خانه‌های ثابت و متحرک در این استان پرداخته‌است (طبسی، ۱۳۸۴). محمد سعید جانب الهی نیز مقالات ارزشمندی در زمینه معماری عشایری و ساختار جامعه عشایر بلوچ منتشر نموده‌است (جانب الهی، ۱۳۷۵). ملک‌زاده و کوشگران نیز در مقاله "گونه‌شناسی

معماری کپری نیمه جنوبی بلوچستان ایران" به دسته‌بندی جامع و ارزنده‌ای از کپره‌های این ناحیه دست یافته‌اند (ملک‌زاده و کوششگران، ۱۳۹۶). پیرامون کپره‌های حوزه جنوب کرمان میرجانی و امیری (۱۳۹۷) در مقاله با عنوان "الگوهای معماری سبک روستایی حوزه فرهنگی هلیل‌رود (کوار، کتوک، کپر)" به بررسی دقیقی پیرامون الگوهای فرم و رفتار ساکنان کپر در منطقه مورد مطالعه خود پرداختند. در پژوهش ارائه شده توسط میراحمدی و رفیع‌فر نیز مطالعاتی پیرامون تغییرات سکونتگاه کپر تحت عنوان "کپرنشینی یا کپرزدایی؟ مطالعه مردم شناختی کپرنشینان شهرستان عنبرآباد (جیرفت)" انجام شده است که از منظر جامعه شناختی به تبعات تغییرات شتاب‌زده و ناهمخوان در سکونتگاه‌های بومی این منطقه پرداخته است. در سال ۱۳۹۶ طرح مطالعات پایه و مستندنگاری کپر نیز توسط مهندسین مشاور عمارت خورشید با هدف طراحی مدارس کپری در روستاهای کپری جنوب کرمان ارائه گردیده است که اساس این مستندنگاری بیشتر به وجوه سازه‌ای کپرها در منطقه کرمان اشاره دارد. مطالعات شناخت گونه کپره‌های خوزستان (مضیف) که توسط اقوام عرب در منطقه خوزستان ایران ساخته می‌شود نیز در منابع عرب زبان مورد تحلیل قرار گرفته است. پژوهش حاضر که به دنبال بررسی جامع گونه‌های فرم کپره‌های ایران بوده است تلاش کرده تا از یافته‌های این پژوهش‌ها بهره‌برد.

باتوجه به اینکه امروزه روستاهای کپرنشین در جنوب شرق کشور همچنان دارای تراکم بسیاری است و سازه‌های کپری از سکونتگاه‌های محبوب مردمان بلوچ در این منطقه به شمار می‌رود اغلب پژوهش‌ها و مطالعات اندک موجود، متمایل به بررسی پیشینه و فرم کپره‌های این مناطق بوده است. این در حالی است که آن‌چنان که گفته شد در نواحی دیگر کشور ایران نیز نمونه‌های دیگری از این سازه‌های سبک موجود است که با پشتوانه فرهنگی اقلیمی خود در میان روستائینان و عشایر محبوبیت دارند.

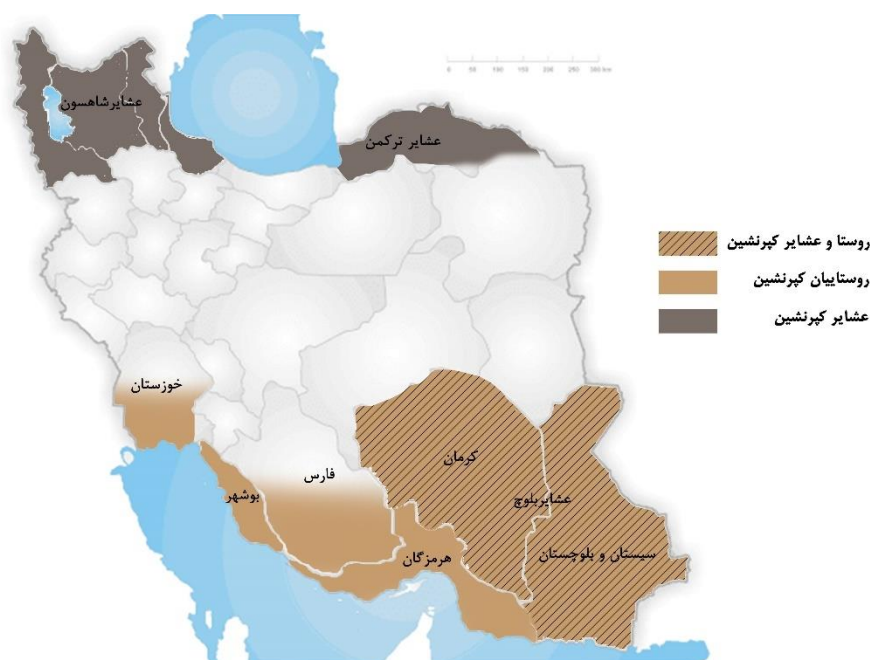
■ محدوده سکونتگاه‌های کپری در ایران

در ایران تراکم اصلی کپرنشینان در ناحیه جنوبی کشور و در استان‌های بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان؛ جنوب استان - های کرمان، فارس و خوزستان و به‌طور کلی ناحیه یک‌سوم جنوبی کشور است (ملک‌زاده و کوششگران، ۱۳۹۶، ۸۵). اما نمونه کپره‌های ترکمن در شمال شرق و آلاچیق‌های شاهسون نیز در شمال غرب کشور و محدوده آذربایجان در میان عشایر ایل شاهسون ساخته می‌شود (میزبان، ۱۳۹۵). ساختار کلی کپر در منطقه جنوب شرق دارای شباهت‌های بیشتری است، اما تأثیر اقلیم و فرهنگ هر یک از این استان‌ها را می‌توان در نوع ساختار کپرها به‌خوبی مشاهده کرد.

به گواهی اسناد و منابع موجود دوره قاجاریه، در محدوده جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان، اکثر خانه‌ها، بناهایی ساخته شده از شاخ‌وبرگ گیاهان، موسوم به "کپر" و "لهر" بوده است (وزیری کرمانی، ۱۳۸۵، ۸۰). در اوایل دوره پهلوی، در جنوب کرمان و شهرستان جیرفت، ساختمان‌های خشت و گلی محدودی در کنار خانه‌های کپری شکل می‌گیرد و به‌مرور سرعت ساخت خانه‌ها با مصالح خشت و گلی بیشتر می‌شود. در این دوره ساخت کپره‌های با دیواره خشتی و سقف بافته از برگ درختان در برخی از روستاها به الگوی ساخت‌وساز محبوب تبدیل شد.

جلگه خوزستان زادگاه یکی از کهن‌ترین نمونه سازه‌های سبک بومی یعنی مضیف است. از آنجایی که مضیف اساساً سازه بومی اقوام عرب است، در کشورهای حاشیه خلیج فارس خصوصاً عراق رد پای آن دیده می‌شود؛ این خانه‌های نی یک دستاورد قابل‌تحسین در ساختارهای معماری سبک بومی است (محسنی‌زاده کرمانی و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۱۹). مضیف از نظر معماری، تاریخیچه و ساختار قابل‌بررسی است و گونه‌ای تکامل‌یافته از "کلبه نی" سومری است. نی، حصیرهای بافته شده از نی، طناب‌هایی که از کتان بافته و با روغن ماهی در برابر آب‌وهوا مقاوم شده‌اند، مصالح ساخت مضیف را تشکیل می‌دهد. امروزه کاربری رایج مضیف مهمان‌سرایی سنتی است که برای برگزاری مراسم چای‌خوران و سایر گردهمایی‌های قبیله‌ای استفاده می‌شود (Broadbent, 2008, 112). باوجود آنکه زادگاه اصلی این‌گونه از کپرها (مضیف) در جلگه خوزستان بوده است امروزه تعداد انگشت شماری از مضیف‌ها صرفاً جهت مصارف آیینی و گردشگری در استان خوزستان دیده می‌شود.

ردپای سکونتگاه‌های کپری در قسمت شمال ایران در شمال غرب و شمال شرق کشور قابل بررسی است. در شمال شرق ایران و استان گلستان محدوده شهرهایی همچون بندر ترکمن، گنبد قابوس، کلاله، آق‌قلا، گمیشان و مراوه‌تپه اقوام ترکمن زندگی می‌کنند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۴۰۲)، ترکمن‌های ساکن این شهرها اغلب عشایر ترکمنی هستند که در دوره پهلوی اول بعد از تغییرات رضاشاهی یکجانشین شدند (آنا مرادنژاد، ۱۳۹۰، ۴۴). امروزه کپره‌های ترکمن (آغاج‌اوی) در این مناطق به‌عنوان سکونتگاه رسمی موردنظر نیست و بیشتر نمادی از فرهنگ بومی ترکمن‌ها است که نمونه‌هایی از آن ساخته می‌شود. استفاده سکونتگی از این کپره‌های ترکمن توسط ایلات این قوم که حوزه عشایری شمال شرق مشتمل بر عشایر مستقر در استان‌های خراسان رضوی و شمالی، سمنان و بخشی از مازندران و گلستان را تشکیل می‌دهند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۴۰۲) رایج است. ترکمن‌ها، گروهی از زردپوستان بوده‌اند که احتمالاً در مغولستان سکونت داشته‌اند، سپس کم‌کم به ایران و ترکمنستان آمده‌اند و سکونتگاه اصیل مغولی (گر) را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین میراث فرهنگی نیاکان خود به ایران آورده‌اند. ساختار کپره‌های ترکمن تا حد زیادی مشابه یورت‌های مغول است و به‌وضوح می‌توان آن را استمراری از گر مغول دانست که از اولین نمونه‌های کپر در جهان است.



تصویر ۱. پهنه‌بندی استقرار و شیوه سکونت در سکونتگاه‌های کپری ایران (نقشه ایران URL1، تحلیل نگارندگان)

عشایر ایل شاهسون که در حوزه شمال غربی کشور یعنی محدوده سرزمین آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و بخشی از گیلان حرکت می‌کنند، نیز سکونتگاه‌هایی کپری موسوم به آلاچیق شاهسون می‌سازند که می‌توان آن را گونه‌ای متعلق به سازه‌های کپری در ایران دانست؛ این گونه کپرها از نمونه کپره‌های ایلات ایران است که هنوز شاهد تداوم ساخت آنها هستیم. در تصویر ۱ محدوده ساخت کپره‌های ایران به تفکیک گونه سکونت در آنها نمایش داده شده است.

■ گونه‌شناسی معماری کپری

تفاوت گونه‌های فرم از نظر محققین می‌تواند ریشه در عوامل گوناگونی داشته باشد؛ از نظر معماریان و طبرسا (۱۳۹۲) این عوامل می‌تواند شامل نگاه شکلی - معنایی که فرهنگ و اجتماع را در برمی‌گیرد، باشد. در واقع نظریه پردازان معناگرا هدفشان کشف الگوی زیستی پنهان در بنا یا همان اطلاعات درونی است که در فضای معماری نهفته است (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲).

ردفیلد (۱۹۵۳) معتقد است که جوامع ابتدایی، شدیداً سنت‌گرا هستند، شکل یا فرم‌هایی که در این جوامع به‌عنوان شکل یا فرم پذیرفته شده تلقی می‌گردند، به‌شدت در برابر هرگونه تغییری مقاومت می‌کنند. این مسئله رابطه نزدیک شکل و فرهنگی که شکل در آن قرار گرفته است را نشان می‌دهد. رویکردهای گونه‌شناسی معماری به سه روش دسته‌بندی می‌شوند: شیوه بررسی فرایند تغییرات کالبدی و سیر تکامل تدریجی هسته اولیه در طول زمان، روش مبتنی بر شناخت سازوکار علت و معلولی با نگرش یکپارچه و درنهایت، رویکرد تحلیل کالبدی بر اساس یک یا چند عامل پایه (راهب، ۱۳۹۴، ۱۴). باتوجه به هدف این پژوهش که شناسایی جهت بهبود ارائه راهکارهای آتی است، گونه‌شناسی مدنظر این پژوهش در دسته تحلیل کالبدی بر اساس عامل بنیادین فرم است.

■ گونه‌شناسی کپرهای جنوب شرقی ایران

در پیشینه پژوهش حاضر پژوهش‌های انجام شده و گونه‌بندی‌های ارائه گردیده معطوف به روستاهای محدوده جنوب شرق کشور می‌باشد. در واقع کپرهای اخیر به دغدغه سکونتگاهی در منطقه جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان تبدیل شدند که این امر موجب شد توجه اصلی مطالعات به این حوزه معطوف گردد. در نتایج بررسی‌های انجام شده در این مناطق گونه کپرهای کوار، کتوک و تویی در مناطق جنوب کرمان (میرجانی و امیری، ۱۳۹۷، ۲۰) و کپرهای لوگ تگردی، لوگ کمبی و کرگین در چهار حوزه سکونتگاهی سیستان و بلوچستان معرفی گردیده است (ملک‌زاده و کوششگران، ۱۳۹۶، ۹۴).

■ اجزای سازنده کپر

همان‌گونه که اشاره شد کپرهای در واقع یکی از گونه‌های اصلی بافت ساخت‌های گیاهی بومی است که در مناطق متعددی از کشور ایران و در اشکال گوناگون یافت می‌شود. کپرهای سه جزء اصلی دارند؛ اسکلت اصلی، شبکه اتصالی، اتصالات و پوشش پوشاننده. در اسکلت اصلی معمولاً از مقاوم‌ترین چوب موجود در هر منطقه بهره گرفته می‌شود. در قسمت‌های مربوط به شبکه پوشاننده کپر بسته به نوع کپر از مصالح مقاوم که دارای بیشترین انعطاف‌پذیری است استفاده می‌شود و در نهایت پوشش روپین را برگ رایج‌ترین گیاهان منطقه به‌صورت خشک شده یا بافته شده به شکل حصیر تشکیل می‌دهد. پر واضح است که مصالح و اجزای کپر باتوجه به پوشش گیاهی هر منطقه متفاوت است؛ اما در مجموع از چوب برای ساختن خانه‌های کپری استفاده زیادی می‌شود. از جمله چوب‌هایی که در محدوده جنوب کشور برای ساخت اسکلت کپرهای مورد استفاده است می‌توان از: چوب درخت نخل وحشی (داز)، کهور، گز و گُناز نام برد. چوب درخت کهور و گز در هوای گرم استحکام و دوام زیادی دارد و کمتر دچار پوسیدگی می‌شود (رفیع‌فر و میراحمدی، ۱۳۹۶، ۱۲).

اجزای سازنده کپرها باتوجه به تنوع سازندگان آن در هر منطقه با نام‌های متفاوتی شناخته می‌شود. در اصطلاح رایج‌تر اجزای سازنده کپرها شامل: کَرز^۲، ساد^۳، کَمب^۴، لَکَم^۵، تَگَرْد^۶، دام^۷ است. در جدول ۱ تعاریف اجزای اصلی با ذکر نام‌های بومی شناسایی شده ارائه گردیده است. باین وجود به علت تعدد گویش‌های کاربران کپر نام‌های محلی بیشتری برای هر یک از این اجزا به صورت خاص متصور خواهد بود (جدول ۱). شایان ذکر است که اجزای معرفی شده، در اغلب گونه‌های کپری مشترک‌اند و ساختار پایه بسیاری از کپره‌های سنتی را شکل می‌دهند. باین حال، نوع گیاهان مورداستفاده در ساخت این اجزا بسته به پوشش گیاهی هر منطقه متفاوت است و در نتیجه نام‌های محلی این اجزا نیز متناسب با گویش‌های بومی تنوع می‌یابند. نام‌گذاری‌های ارائه شده عمدتاً مربوط به نیمه جنوبی کشور و مناطقی است که بیشترین تنوع گونه‌ای کپر در آنجا مشاهده شده است. از این رو، اگرچه ساختار عملکردی این اجزا در گونه‌های مختلف کپر یکسان باقی می‌ماند، تفاوت‌های زبانی و بوم‌شناختی منجر به شکل‌گیری تنوع اسامی در هر منطقه شده است.

جدول ۱- اصطلاحات بومی اجزای سازنده کپر (نگارندگان)

کارکرد	نام (اصطلاح محلی)	تعریف
اسکلت اصلی	چوب	از جمله چوب‌هایی که استفاده می‌کنند: چوب درخت نخل وحشی (داز)، کپور، گز و گُناَر است. از چوب درخت گز و کنار، برای اسکلت اصلی کپر استفاده می‌شود، زیرا استقامت بیشتری دارد.
شبکه اتصالی	کَرز (شاک، بنشک)	شاخه‌ی درخت نخل است که در اثر قرار گرفتن در هوای آزاد، نور و حرارت خشک شده و برگ‌های بزرگ آن جدا شده است. طول کَرز حدود ۵/۲ متر است. از ویژگی‌های آن انعطاف‌پذیری و مقاومت آن در برابر موریانه است.
	لَکَم	برگ‌های درخت خرما که دوبه‌دو، به روش خاصی به هم گره زده شده‌اند.
اتصال	چیلک (ساد، ریز)	طنابی که به وسیله برگ درخت خرما و یا درختچه داز بافته شده و برای بستن قسمت‌های کپراستفاده می‌شود؛ بعد از ساخت کامل نیز دور کپر بسته می‌شود تا در مقابل باد نیز مقاوم شوند. چیلک‌ها را باید از برگ تازه درخت خرما درست کرد؛ اما وقتی که خشک شوند انعطاف بهتری دارند و می‌توان از آنها استفاده کرد.
	سوزن	در مناطقی از جنوب کرمان سوزن‌هایی از شاک نخل برای دوختن حصیرهای پوشاننده ساخته می‌شود.
پوشاند	کَمب	برگ‌های خشک شده‌ی نخل وحشی یا داز است. پس از بریدن، دسته‌بندی شده و روی آنها سنگ می‌گذارند و در معرض نور آفتاب قرار می‌دهند.
	پیش	شاخه همراه با برگ درخت نخل را می‌گویند که از برگ و شاخه آن برای ساختن چیلک‌ها و ... استفاده می‌شود. و در گونه‌هایی از کپرها که در ادامه به آن پرداخته می‌شود به عنوان عنصر پوششی نهایی به کار می‌رود.
	تَگَرْد (حصیر، بوریا)	همان بوریا یا حصیر است که در زبان بلوچی چنین نامیده می‌شود. تَگَرْد اغلب با بافتن برگ درختچه داز ساخته می‌شود.
	دام	توری است که از ساد بافته می‌شود.

روش تحقیق

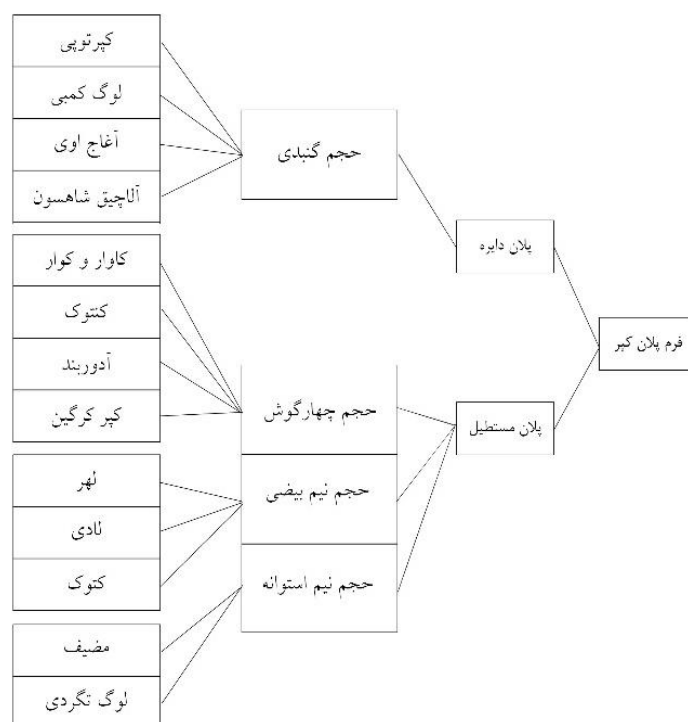
روش این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و بر بررسی تطبیقی فرم کپره‌های ایران و عوامل مؤثر بر تنوع آن‌ها تمرکز دارد. گردآوری داده‌ها در دو مرحله اسنادی و میدانی انجام گرفته است. در مرحله اول، با مطالعه منابع کتابخانه‌ای، مقالات پژوهشی، و اسناد مرتبط با طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های روستایی، پیش‌زمینه‌ای نظری درباره گونه‌های مختلف کپر در ایران فراهم شد.

در مرحله دوم، باهدف تکمیل یافته‌های نظری، پژوهشگران به مناطقی از جنوب کرمان شامل کهنوج، قلعه گنج و بخش چاه‌دادخدا سفر کرده و مشاهدات میدانی و مصاحبه‌هایی انجام دادند. مصاحبه‌ها به‌صورت هدفمند و نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از مطلعان محلی شامل ساکنان مسن، استادکاران بومی ساخت کپر و مسئولان محلی پروژه‌های توسعه روستایی انجام شد. محور گفت‌وگوها شامل ویژگی‌های فضایی و عملکردی کپرها، مصالح مورد استفاده، زمان ساخت و تغییرات فصلی بود. پاسخ‌ها ضبط، دسته‌بندی و با داده‌های اسنادی تطبیق داده شدند.

از میان ۱۳ گونه شناسایی‌شده، پنج گونه از طریق مشاهده میدانی و مصاحبه با مطلعین محلی مستند شده‌اند و هشت گونه دیگر با تحلیل منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و در برخی موارد مشاهده تطبیقی در محل مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در مسیر تحلیل، ابتدا تیپ پلان‌ها و فرم‌های حجمی کپرها دسته‌بندی شد و سپس هر گونه به‌صورت مجزا با تمرکز بر ویژگی‌های فضایی، کارکردی و مصالح تحلیل شد. نتیجه این تحلیل‌ها به‌صورت نمودار تیپ‌بندی پلان و حجم کپره‌های ایران (تصویر ۱۱) و جدول گونه‌شناسی کپره‌های کشور (جدول ۳) ارائه شده است.

■ بررسی گونه‌های فرم معماری کپر در ایران

از منظر گونه‌شناسی فرم دو نوع پلان در طرح کپره‌های ایران مشاهده می‌شود، پلان‌های دایره‌ای که گونه‌های مختلفی از کپره‌های نیم کره و گنبدی روی آن ساخته می‌شود و پلان‌های مستطیلی که سه فرم مختلف از کپرها یعنی کپره‌های چهارگوش، نیم بیضی و نیم استوانه روی آن بنا می‌گردد. در بررسی‌های انجام شده گونه‌های مختلفی از کپره‌های بومی در ذیل هر یک از این فرم‌های پلان و حجم دسته‌بندی شده (تصویر ۲) که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



تصویر ۲. دسته‌بندی فرم کپرها به تفکیک پلان (نگارندگان)

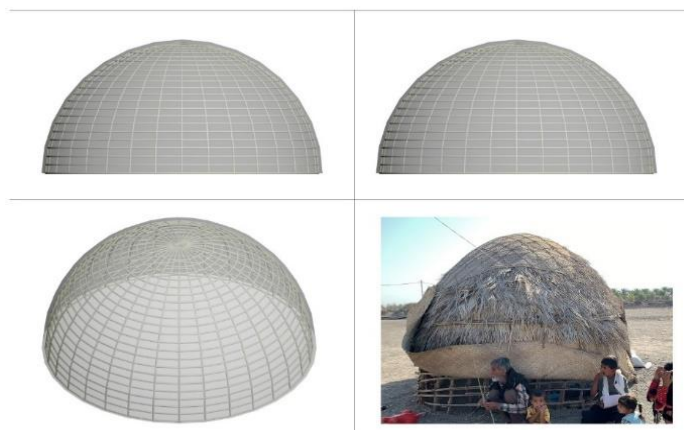
■ کپرهای نیم کره شکل (گنبدی)

توپی: کپر توپی از مقاوم‌ترین انواع کپرهاست که با فرم نیمکره کامل در مناطق گرم و خشک جنوب کرمان (کهنوج، قلعه گنج، رمشک) و بلوچستان ساخته می‌شود. فرم گنبدی آن با کاهش جذب تابش مستقیم خورشید و ایجاد تهویه طبیعی، شرایط خنک‌تری در تابستان فراهم می‌کند. همچنین ساختار کروی با توزیع یکنواخت نیرو، مقاومت بالایی در برابر بادهای شدید منطقه دارد. اسکلت این کپر از شاخه‌های منعطف گز و کهور ساخته شده و پوشش آن شامل نمد، بوریا یا پارچه‌های ضخیم است که به سبکی و سهولت جابه‌جایی آن کمک می‌کند. این کپر نمودی از انطباق معماری بومی با اقلیم گرم و خشک منطقه است (تصویر ۳) (عامری سیاهویی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۰).



تصویر ۳. فرم و شیوه بافت کپر توپی (نگارندگان)

لوگِ کمبی: این گونه از کپرها با پلان مدور و حجم نیمکره، در منطقه نیک‌شهر سیستان و بلوچستان ساخته می‌شود و تفاوت آن با «توپ» در شیوه بافت کرزهاست. اقلیم گرم و مرطوب این ناحیه، نیاز به تهویه مناسب و مصالح مقاوم را ایجاب می‌کند. فرم نیمکره‌ای لوگ کمبی موجب گردش بهتر هوا و تعدیل دما شده و فضای داخلی مناسبی برای سکونت در تابستان فراهم می‌سازد. استفاده از چوب‌های مقاوم و پوشش بوریا یا الیاف گیاهی، آن را در برابر رطوبت و حرارت مقاوم کرده است. این کپر با بهره‌گیری بهینه از نور و جریان هوا، پاسخی بومی به شرایط اقلیمی منطقه است (تصویر ۴) (ملک‌زاده و کوششگران، ۱۳۹۶، ۸۷؛ ترشایی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۰۸).



تصویر ۴. فرم و شیوه بافت کپر لوگ کمبی (نگارندگان)

آغاچ اوی: آغاچ اوی، کپر سنتی اقوام ترکمن در شمال شرق ایران، با ساختار مدور و پوشش نمدی، پاسخگوی نیازهای اقلیمی سرد و متغیر منطقه ترکمن صحراست. این سازه به دلیل سبک وزنی، قابلیت نصب و جمع آوری سریع، در میان عشایر ترکمن محبوب بوده و مناسب سکونت موقت در دوره های ییلاق و قشلاق است. فرم بسته و عایق بندی نمدی آن، گرمای داخلی را در فصل سرد حفظ کرده و از نفوذ بادهای سرد جلوگیری می کند. در گذشته نمونه هایی مانند چاتمه یا گوت تکمه برای اسکان موقت یا افراد کم درآمد ساخته می شد. «آق اوی» و «قره اوی» نیز انواعی از این سازه اند که تفاوت آن ها به رنگ پوشش نمدی برمی گردد. این کپر امروزه بیشتر به عنوان نماد فرهنگ ترکمنی در موزه ها و نمایشگاه ها بازسازی می شود (تصویر ۵) (تقوی، ۱۳۸۹، ۱۵۳).



تصویر ۵. فرم و شیوه بافت کپر آغاچ اوی (نگارندگان)

آلاچیق یا کومه شاهسون: آلاچیق شاهسون، سازه ای نیم کره ای و سبک از نمد، یکی از شاخص های فرهنگی ایل شاهسون است که برای اقامت در کوچ های فصلی ساخته می شود. این آلاچیق ها متناسب با اقلیم سرد کوهستان های شمال غرب ایران طراحی شده اند؛ فرم گنبدی و پوشش چندلایه نمدی، گرما را در شب های سرد حفظ کرده و از نفوذ باد جلوگیری می کند. نمونه های

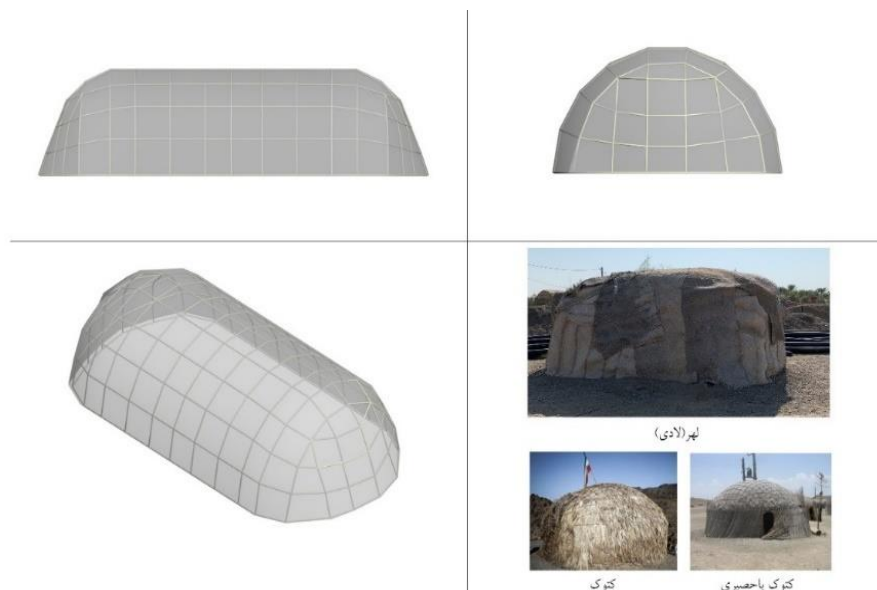
ساده‌تر آن، با نام «کومه»، با بافتی خشن‌تر برای اسکان موقت ساخته می‌شوند. آلاچیق‌ها با مهارت بالا و نمد سفید تزئین شده ساخته می‌شوند که به‌مرور در اثر دود اجاق، به رنگ قهوه‌ای یا سیاه درمی‌آید (تصویر ۶) (ضرغامی، ۱۳۹۵، ۲۵).



تصویر ۶. فرم و شیوه بافت آلاچیق شاهسون (نگارندگان)

■ کپره‌های نیم بیضی

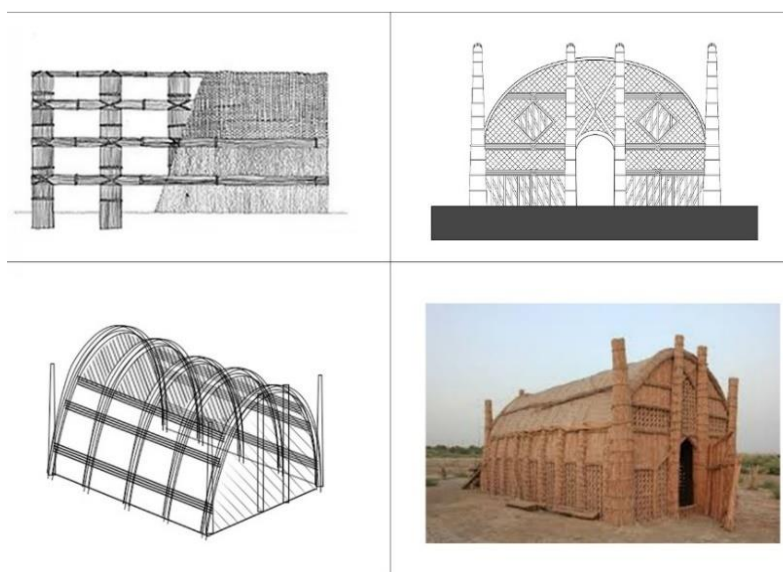
له‌ر: کپر له‌ر با فرم نیم بیضی و سازه مشبک کرزها، در مناطق گرم و خشک جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان رایج است. این فرم با سطح مقطع کم‌تر در برابر باد و امکان تهویه مناسب، پاسخگوی اقلیم گرم منطقه است. پوشش آن در گونه‌های مختلف از تگرد، برگ درخت داز یا نخل تشکیل می‌شود که در صورت نیاز قابل جابه‌جایی بوده و به تهویه و کنترل گرما کمک می‌کند. تنوع اسامی چون لوگ نیم بیضی، لادی، کتوک و کراد، ناشی از تفاوت در نوع پوشش، کاربری یا گویش محلی است. گونه‌های سبک‌تری چون «کراد» برای اسکان موقت طراحی شده‌اند. این کپرها نشان‌دهنده انطباق هوشمندانه ساختار و مصالح با شرایط اقلیمی منطقه هستند (تصویر ۷) (کریم‌زاده کارنما و آزمون، ۱۳۹۵، ۱۳).



تصویر ۷. فرم و شیوه بافت له‌ر، لادی، کتوک (نگارندگان)

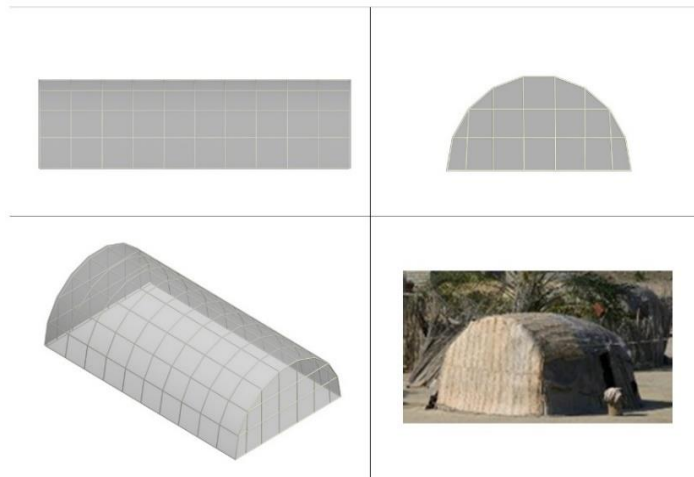
■ کپرهای نیم استوانه

مضیف: مضیف، سازه‌ای سنتی در نواحی گرم و مرطوب خوزستان، مهمان‌خانه‌ای است که برای پذیرایی و برگزاری آیین‌های چای‌خوران قبایل عرب ساخته می‌شود. فرم کشیده و نیم استوانه‌ای آن با طاق‌هایی از نی و پوشش حصیری، تهویه طبیعی مؤثری در فضای گرم منطقه فراهم می‌کند. مصالح اصلی آن، مانند نی و طناب‌های کتانی، کاملاً بومی و سازگار با رطوبت و گرما هستند. این سازه که قدمت آن به هزاره چهارم قبل از میلاد بازمی‌گردد، امروزه تنها در چند روستای خوزستان مانند بردیه سوسنگرد، آن هم توسط معدود کهن‌سالان، ساخته می‌شود و به‌عنوان نماد فرهنگی - معماری منطقه مورد احترام است (تصویر ۸) (محسنی‌زاده کرمانی و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۲۰).



تصویر ۸. فرم و شیوه بافت مضیف (نگارندگان)

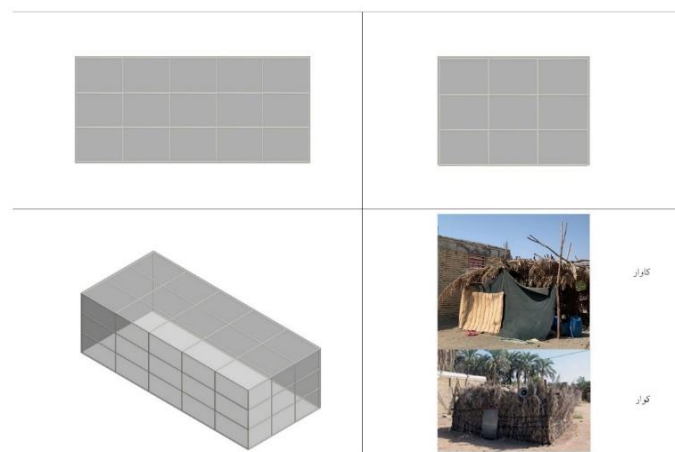
لوگ تگردی: لوگ تگردی نوعی کپر نیم استوانه‌ای است که در منطقه سراوان سیستان و بلوچستان یافت می‌شود و پس از قرارگیری روی زمین، پلان مستطیل شکل ایجاد می‌کند. ساختار آن مشابه کپرهای لهر است، اما در انتهای فرم، بافتی به شکل شبکه مربعی دارد (تصویر ۹) که به استحکام سازه در برابر باد کمک می‌کند. پوشش آن از تگرد، گیاه بومی منطقه، است که عایق مناسبی در برابر گرما و سرما به شمار می‌رود. فرم خمیده و پوشش بافت‌دار این سازه، با ایجاد تهویه طبیعی، در کاهش دمای داخلی در روزهای گرم و حفظ گرما در شب‌های سرد مؤثر است. این ویژگی‌ها، لوگ تگردی را به پاسخی مناسب به اقلیم خشک و گرم منطقه بدل کرده‌اند (تصویر ۹) (ملک‌زاده و کوشگران، ۱۳۹۶، ۸۹).



تصویر ۹. فرم و شیوه بافت لوگ تگردی (نگارندگان)

■ کپرهای چهارگوش (سقف صاف و شیروانی)

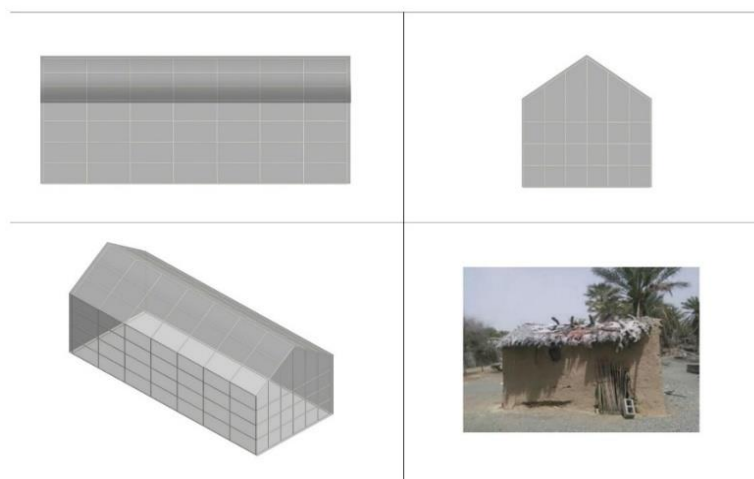
کاوار: کاوار ابتدایی‌ترین نوع کپر و سرپناهی ساده است که در اغلب روستاهای کپری جنوب و جنوب شرق کشور دیده می‌شود (تصویر ۱۰). این فضاها برخلاف توپ و کتوک کمتر به سکونت اختصاص دارند و بیشتر به‌عنوان نشیمن، محل فعالیت‌های روزمره یا حتی پارکینگ خودرو استفاده می‌شوند. در منطقه جیرفت، این سازه با نام محلی *کاوار* شناخته می‌شود و عمدتاً با چوب بادام تلخ که از منابع بومی است، ساخته می‌شود. ساختار سبک و باز کاوار، تهویه طبیعی مناسبی فراهم می‌آورد و به‌خوبی با اقلیم گرم منطقه تطبیق یافته است؛ به‌ویژه آنکه سایه‌اندازی گسترده و امکان جریان آزاد هوا، آن را برای استفاده در فصول گرم مناسب می‌سازد (نادری‌خادم و رشیدی شریف، ۱۳۹۸، ۵).



تصویر ۱۰. فرم و شیوه بافت کاوار (نگارندگان)

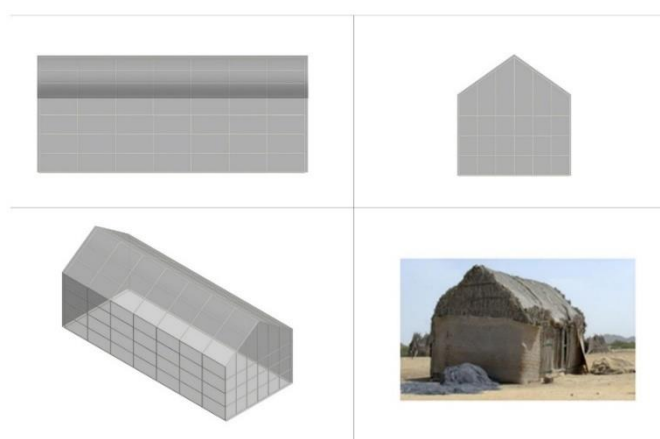
کتوک: کتوک یکی از محدود گونه‌های کپری است که دیواره‌های آن پس از بافت، با گل اندود می‌شود و همین ویژگی آن را از سایر انواع متمایز می‌سازد (تصویر ۱۱). این نوع کپر بیشتر در مناطق جیرفت رایج است و علاوه بر کاربری مسکونی، برای انبار، نگهداری دام و ذخیره مواد غذایی نیز به کار می‌رود. کتوک معمولاً با پلان چهارگوش، اغلب مستطیلی، ساخته می‌شود. استفاده از گل به‌عنوان پوشش بیرونی، عایق حرارتی مناسبی فراهم می‌آورد که این سازه را به گزینه‌ای مطلوب برای اقلیم سرد

زمستانی منطقه تبدیل می‌کند. گل‌مالی بدنه با کاهش تبادل حرارتی، گرمای داخل را حفظ کرده و شرایط آسایش حرارتی را در فصول سرد فراهم می‌سازد (رفیع‌فر و میراحمدی، ۱۳۹۶، ۱۶).



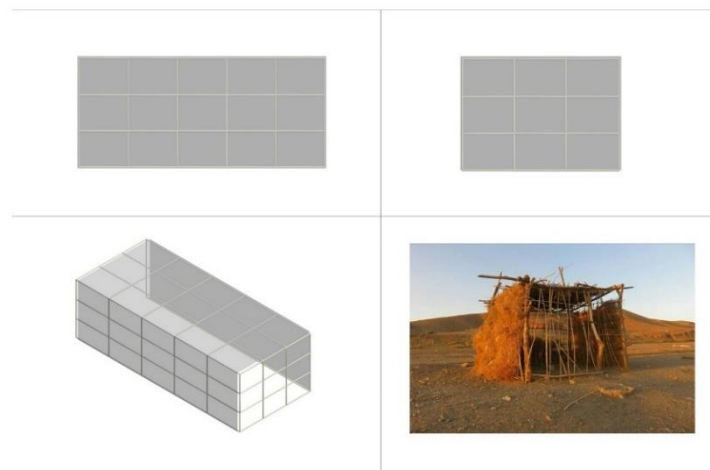
تصویر ۱۱. فرم و شیوه بافت کنتوک (نگارندگان)

کپر کرگین: کپر کرگین از گونه‌های چهارگوش کپر است که با ساختاری غیرارتجاعی و پلان مستطیل ساخته می‌شود. سقف این کپرها به صورت شیب‌دار طراحی می‌شود تا در برابر بارش‌های فصلی منطقه مقاوم باشد (تصویر ۱۲). این نوع کپر بیشتر در شهرستان چابهار رواج دارد. برخلاف نواحی خشک‌تر سیستان و بلوچستان، در اقلیم گرم و مرطوب چابهار نخل به‌ندرت یافت می‌شود و به‌جای آن، چوب درختان گرمسیری مانند موز، انبه، گواوا، کنار و چش در ساخت این سازه به کار می‌رود. پوشش نهایی آن نیز مانند دیگر کپرهای منطقه از تگرد است. شیب سقف و نوع مصالح به‌کاررفته، کرگین را به سازه‌ای سازگار با رطوبت بالا و بارش‌های متناوب تبدیل کرده که امکان دفع سریع آب و دوام بیشتر در اقلیم مرطوب را فراهم می‌آورد (ملک‌زاده و کوشگران، ۱۳۹۶، ۹۱).



تصویر ۱۲. فرم و شیوه بافت کپر کرگین (نگارندگان)

آدوربند: آدوربند را می‌توان گونه‌ای توسعه‌یافته از کاوار دانست که به‌ویژه برای مقابله با گرمای شدید تابستان در جنوب کرمان ساخته می‌شود. این سازه با استفاده از سازوکاری مشابه کولر آبی، فضای داخلی را خنک نگه می‌دارد. در ساخت آن، چهارچوبی مستطیلی با سقف شیب‌دار از چوب گز برپا می‌شود که با بوته‌های خارستر پوشانده شده و پس از کوبیدن، با آب‌پاشی خنک می‌شود (تصویر ۱۳). تبخیر آب از سطح خارستر باعث کاهش محسوس دمای داخل شده و شرایط آسایش حرارتی را در اقلیم گرم و خشک منطقه فراهم می‌کند. این شیوه بومی و کم‌هزینه، پاسخی خلاقانه به نیاز سرمایشی در مناطق فاقد زیرساخت‌های مدرن است (سلامت‌منش و جوادی، ۱۳۹۷، ۱۱۲).



تصویر ۱۳. فرم و شیوه بافت آدوربند (نگارندگان)

■ تحلیل یافته‌ها

تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از مطالعات میدانی و بررسی تطبیقی گونه‌های سکونتگاه‌های کپری در ایران نشان می‌دهد که این فرم معماری بومی، با بهره‌گیری از دانش سنتی و مصالح محلی، پاسخی دقیق و کارآمد به شرایط اقلیمی و فرهنگی محیط خود ارائه کرده است. برخلاف بسیاری از سازه‌های روستایی که عمدتاً با الگوی سرپناهی ساده ساخته می‌شوند، در ساختار کپر نوعی تعادل پیچیده میان کارکرد، سازگاری اقلیمی، و معناهای فرهنگی و آیینی نهفته است. این ویژگی، کپر را به پدیده‌ای منحصر به فرد در میان سکونتگاه‌های سنتی ایران تبدیل کرده است.

مطالعات نشان می‌دهد که سه عامل اصلی در شکل‌گیری و تفاوت فرم‌های کپری بیشترین تأثیر را داشته‌اند: فرهنگ محلی، شرایط اقلیمی، و نوع مصالح در دسترس. گونه‌های مختلف کپر در مناطق گوناگون ایران برآیند مستقیم این سه عامل هستند. برای نمونه، در سکونتگاه‌های عشایری شمال کشور - به‌ویژه در استان‌های گلستان، خراسان شمالی و آذربایجان شرقی - فرم‌های کپری با تأکید بر قابلیت جابه‌جایی، سبکی سازه و سهولت در برپایی و جمع‌آوری طراحی شده‌اند. این ساختارها، اغلب با استفاده از مصالح طبیعی سبک مانند شاخه، ترکه، پارچه ضخیم و نمد ساخته می‌شوند تا پاسخ‌گوی نیازهای زندگی موقت و چرخشی عشایر باشند.

در مقابل، در مناطق جنوبی ایران از جمله سیستان و بلوچستان، جنوب کرمان و هرمزگان، کپر‌ها کارکردی سکونت‌ی و پایدار دارند. اسکلت این کپر‌ها، با بهره‌گیری از تیرهای درهم‌تنیده و اتصالات محکم‌تر، به‌گونه‌ای طراحی شده که در برابر بادهای شدید، طوفان‌شن و تابش مستقیم آفتاب مقاومت کافی داشته باشد. این ویژگی‌ها، کپر را به انتخابی مناسب برای اقلیم خشک و گرم تبدیل کرده است. همچنین، نحوه نصب تیرها در زمین و پوشش روی آنها - که معمولاً از حصیر، بوریا یا گلیم‌های بومی

تشکیل شده - نشان‌دهنده همخوانی کامل با محیط طبیعی و سنت‌های محلی است. در برخی مناطق دیگر، گونه‌های خاصی از کپر دیده می‌شود که با ویژگی‌های فرهنگی و آیینی منحصربه‌فرد گره خورده‌اند. مضیف‌های خوزستان نمونه‌ای از این گونه‌ها هستند که نه تنها به عنوان سرپناه، بلکه به عنوان فضایی اجتماعی برای میزبانی، پذیرایی و گفت‌وگو ساخته می‌شوند. در گلستان، آغاج‌اوی‌ها به واسطه شرایط مرطوب منطقه، با مصالح و فرم متفاوت‌تری ساخته می‌شوند. کومه‌ها یا آلاچیق‌های عشایر آذربایجان نیز با طراحی مدور و سازه‌ای ساده، بر کارکرد جابه‌جایی آسان تأکید دارند.

پراکندگی جغرافیایی گونه‌های کپری در ایران، شاخص مهمی در فهم ارتباط اقلیم، فرهنگ و فرم معماری است. بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده (تصویر ۱۴)، استان‌های سیستان و بلوچستان و جنوب کرمان بیشترین تنوع و تراکم گونه‌ای کپر را به خود اختصاص داده‌اند. این امر نه تنها به تنوع اقلیمی این مناطق بازمی‌گردد، بلکه از منظر فرهنگی نیز نشان‌دهنده پویایی الگوهای زیستی در این نواحی است. در مناطق شمالی کشور، به‌ویژه در میان عشایر، کپرهای عمدتاً موقت و قابل حمل‌اند، در حالی که در مناطق جنوبی، بیشتر به عنوان سکونتگاه روستایی دائمی شناخته می‌شوند. این تفاوت کارکردی، مستقیماً در ساختار فنی، فرم فضایی، و جزئیات تزئینی کپرهای نیز بازتاب یافته است.



تصویر ۱۴. پراکندگی سکونتگاه‌های کپری ایران به تفکیک فرم و گونه‌های معرفی شده (نقشه ایران URL1، تحلیل نگارندگان)

در جدول شماره ۲، گونه‌شناسی فرم معماری کپری در ایران، شامل ۱۳ نوع اصلی شناسایی شده از نظر فرم سازه، ویژگی‌های اقلیمی، مصالح غالب و نحوه استقرار، ارائه شده است (جدول ۲). همچنین تصویر ۱۳، نقشه پراکندگی این

گونه‌ها را به تفکیک موقعیت جغرافیایی نمایش می‌دهد. این اطلاعات، مبنایی برای تحلیل گونه‌شناسانه معماری کپری در ایران فراهم کرده‌اند که در ادامه فصل به‌طور کامل تبیین شده‌اند.

جدول ۲. گونه شناسی فرم معماری کپری در ایران (نگارندگان)

فرم	نیمه اصلی (گونه‌ها)	نوع سکونتگاه	ایل / قبیله	شهر/استان	تصاویر
نیم کره	توپ	روستایی	بلوچ	جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان / کهنوج، قلعه گنج، رمشک	 تصویر ۱۵- توپ (نگارندگان، ۱۴۰۳)
	لوگ کمبی (کمب)	روستایی	بلوچ	نیک‌شهر/ سیستان و بلوچستان	 تصویر ۱۶- لوگ کمبی (نگارندگان، ۱۴۰۳)
	آغاچ اوی (قره اوی، آق اوی، چاتمه)	روستایی / عشایر	ترکمن	گلستان / ترکمن صحرا، گنبدکاووس، بندر ترکمن، آق‌قلا، مراه تپه، گمش تپه و...	 تصویر ۱۷- آغاچ اوی URL 2
	آلاچیق یا کومه شاهسون	عشایر / موقت	عشایر شاهسون (ترک)	آذربایجان شرقی / کوهپایه‌های سبلان و قوشه، مشکین‌شهر، ارسباران (قره داغ)	 تصویر ۱۸- کومه شاهسون URL 3
نیم بیضی	له‌ر (کراد، لادی)	روستایی / موقت	بلوچ / فارس	جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان / رایج و پراکنده در کلیه روستاهای منطقه	 له‌ر (لادی)
	کتوک				 کتوک پاحصیری تصویر ۱۹- له‌ر (نگارندگان، ۱۴۰۳)

نیم استوانه	مضیف	روستایی	اعراب	خوزستان	 تصویر ۲۰- مضیف (محسنی زاده کرمانی و همکاران، ۱۴۰۲)
	لوگ تگردی	روستایی	بلوچ	سیستان و بلوچستان/سراوان	 تصویر ۲۱- لوگ تگردی (نگارندگان، ۱۴۰۳)
چهار گوش (سقف صاف و شیروانی)	کاوار	موقت/ سایه بان، انبار، پارکینگ	بلوچ/فارس	کرمان و سیستان و بلوچستان/ پراکنده در کلیه سکونتگاه های دائم و موقت منطقه	 تصویر ۲۲- کاوار (نگارندگان، ۱۴۰۳)
	کوار	روستایی	بلوچ/فارس	جنوب کرمان/ روستاهای اطراف جیرفت	 تصویر ۲۳- کوار 4 URL
	کنتوک	روستایی	بلوچ	جنوب کرمان/ روستاهای اطراف جیرفت	 تصویر ۲۴- کنتوک (میرجانی و امیری، ۱۳۹۷)
	کپر کرگین	روستایی	بلوچ	سیستان و بلوچستان/ چابهار	 تصویر ۲۵- کپر کرگین (ملکزاده و کوشگران، ۱۳۹۶)

	جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان	بلوچ	موقت/ سازه کولری موقت جهت آسایش ظهر روزهای گرم	آدوربند	
تصویر ۲۶- آدوربند URL 5					

نتیجه گیری

بررسی ۱۳ نمونه کپر از ۷ منطقه مختلف ایران، نشان می‌دهد که تنوع در ساخت و نام‌گذاری این سازه‌ها عمدتاً تحت تأثیر تفاوت‌های اقلیمی و فرهنگ بومی سازندگان بوده است. شاید به نظر برسد که امروزه ضرورت‌های اقتصادی عامل انتخاب این نوع از ساخت‌وسازها است؛ اما در واقع این خانه‌ها زاده فرهنگ، اقلیم و پوشش گیاهی هر منطقه است که بنا به نیاز ساکنان و عملکرد آن مورداستفاده قرار گرفته و منطبق بر خواسته‌ها و شرایط معیشت آنها است. به همین دلیل امروزه ساکنان با تلاش برای ادغام تکنیک‌های ساخت بومی خود و تکنولوژی روز به دنبال حفظ گونه‌های سکونت بومی کپر هستند.

برای مثال توپ‌ها با ارائه بافت دقیق و فشرده‌تر در ادامه مسیر ساخت لوگ‌های کمبی پدید آمد؛ و در ادامه مسیر تغییر سکونتگاه‌های منطقه نمونه‌هایی از توپ با دیواره پوشیده با گل در مناطقی مانند رمشک ساخته شد و امروزه حتی با دیواره سیمانی با طول عمر بسیار زیاد و قابل قبول نیز ساخته می‌شود. مسیر این تغییرات در راستای رفع دو ایراد اصلی این کپرهای یعنی طول عمر کوتاه، مزاحمت حشرات و خطرات سیلاب‌های دوره‌ای در منطقه بوده است. در این پژوهش ۱۳ نمونه از کپرهای در کشور ایران معرفی گردید که برخی از آنها با تغییرات اندکی در مصالح پوشاننده با نام‌های مختلفی شناخته می‌شوند؛ از میان ۱۳ نمونه بررسی شده، ۴ نمونه دارای فرم نیمکره‌ای، ۳ نمونه نیم بیضی، ۴ مورد نیم‌استوانه و ۲ مورد چهارگوش بودند و از نظر شیوه ساخت و فرم مورد کنکاش قرار گرفت. مطالعات و بررسی‌های اسنادی و میدانی انجام گرفته نشان می‌دهد، در هر منطقه بنا به گویش و فرهنگ نام‌های مختلفی برای این کپرهای به کار می‌رود و گاهی تفاوت دو نوع صرفاً به نوع مصالح پوشاننده معطوف است. زندگی در خانه‌های کپری اگرچه به ظاهر ساده می‌نماید، ولی ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را نیز دارد. در جوامع کپر نشین حضور این شکل از سکونت، با وضعیت اقتصادی، شغل و فرهنگ افراد تناسب دارد. استفاده از وسایل ساده زندگی، مانند زیراندازهای دست‌بافت، حصیر، مشک، کناره، پشتی‌های دست‌بافت و... سادگی این زندگی را نشان می‌دهد.

طبق داده‌های گردآوری شده، ۸ مورد از نمونه‌ها به عنوان سکونتگاه روستایی دائم، ۲ مورد در اقامتگاه‌های عشایری، و ۳ مورد به عنوان سکونتگاه‌های موقت استفاده می‌شوند. کپرهای روستایی غالباً از ظرافت ساخت و بافت پیچیده‌تری بهره‌می‌برند که پشته‌ای اصلی طول عمر بیشتر آنها است. این گونه از مسکن روستایی در مقایسه با مسکن موجود در شهر، علاوه بر محل سکونت، می‌تواند مهمترین کانون تولید ثروت و ارزش افزوده اقتصادی در بخش کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی نیز باشد. این مسکن کارکرد دوگانه اشتغال همراه با سکونت را برای روستاییان فراهم کرده و از جهتی متناسب با سنت دیرینه زندگی روستاییان، وضعیت اقتصادی افراد و شرایط اقلیمی محیط روستاست.

هر گونه کپر تا حد زیادی با فرهنگ اقوام سازنده خود گره خورده و بخشی از میراث فرهنگی آنان را تشکیل می‌دهد؛ لذا شایسته است که درباره هر گونه آن مطالعات کاملی صورت گیرد تا علاوه بر ثبت ویژگی‌های این سکونتگاه‌ها در فرهنگ قومی هر قوم در روند ساخت و سازهای آتی از ویژگی‌های بالقوه آنها بهره برد تا سکونتگاه‌های پایدار و پاسخگوی نیاز روز ساکنان فراهم گردد.

- کپرهای در سه جایگاه سکونتگاه دائم روستایی، سکونتگاه کوچ‌نشینی و اسکان موقت مورداستفاده قرار می‌گیرد. امروزه در شمال کشور ایران کپرهای موجود جهت اسکان کوچ‌نشینان و در جنوب کشور اغلب توسط روستائینان استفاده می‌شود.

- در شهرهای کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان تعدد گونه‌های کپر در یک سکونتگاه روستایی واحد رایج است؛ اما ضیف خوزستان گونه‌ای خاص از کپرها است که فرم و کاربری خاص داشته، لذا به‌صورت تک فضا در روستا ساخته می‌شود.
- کپرهای شمال کشور که اقامتگاه عشایر شامسون و ترکمن را در برمی‌گیرد بر خلاف کپرهای روستایی تنوع فرم وجود ندارد و کپرها در یک اقامتگاه به شکل یکسان ساخته می‌شود.
- کپر فرم‌های متنوعی بسته به اقلیم و مصالح در دسترس مورد استفاده برای ساخت آن دارد. انعطاف کپرها در شیوه ساخت و مصالح مورد استفاده، زمینه مناسبی برای سازندگان بومی جهت شخصی‌سازی این سازه‌های بومی فراهم کرده است.
- پلان قالب کپرها در دودسته مستطیلی و دایره رایج است که فرم روی آن در حالت‌های گوناگون ساخته می‌شود و بنا به نیاز ساکنان گونه‌های متفاوت کپرها در کنار هم و در یک روستا نیز دیده می‌شود.

پی‌نوشت

۱. Vernacular Architecture
۲. karz
۳. sād
۴. kamb
۵. lekam
۶. tagerd
۷. dām

فهرست منابع

- آنا مرادنژاد، رحیم بردی. (۱۳۹۰). *تحولات اجتماعی ۵۰ سال اخیر در بین عشایر ترکمن (مطالعه موردی: بندر ترکمن)*. برنامه‌ریزی فضایی، (۱۱)، ۶۰-۳۷.
- جانب‌اللهی، محمدسعید. (۱۳۷۵). *مساکن سنتی بلوچ. تحقیقات جغرافیایی*. (۴۳) ۱۳۷۵.
- ترشابی، کریم‌بخش و اکرمی، غلامرضا و عینی‌فر، علیرضا. (۱۴۰۰). *انعطاف‌پذیری در مسکن بومی روستایی بلوچستان ایران*. معماری اقلیم گرم و خشک، (۱۳) ۹، ۱۱۷-۱۰۳.
- تقوی، عقیل. (۱۳۸۹). *مردم‌شناسی ترکمن‌های ایران*. گرگان: مختومقلی فراغی.
- کریم‌زاده کارنما، حسین و محمد آزمون، فیروز. (۱۳۹۵). *بررسی تأثیر فرهنگ بر ساختار معماری گونه‌های کپر در جنوب استان کرمان*. چهارمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین و میراحمدی، ساجده. (۱۳۹۶). *کپرنشینی یا کپرزدایی؟ مطالعه مردم‌شناختی کپرنشینان شهرستان عنبرآباد (جیرفت)*. توسعه محلی (روستایی-شهری)، (۹)، ۲۶(۱).
- راهب، غزال. (۱۳۹۴). *واکاوی مفهوم «گونه» در مسکن بومی و تبیین رویکردی برای دسته‌بندی گونه‌های مسکن روستایی در ایران*. مسکن و محیط روستا، (۱۵۰) ۳۴، ۱۸-۳.
- سلامت‌منش، رضا و جوادی، رقیه. (۱۳۹۷). *دانش تولید سرمایه‌داری در حوزه فرهنگی هلیل‌رود؛ مطالعه موردی: آدریند و یختکن*. دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران، (۹) ۵، ۱۳۶-۹۷.
- سازمان امور عشایر ایران. (۱۴۰۲). درگاه رسمی. www.ashayer.ir
- عامری سیاهویی، حمیدرضا و احمدی سرخونی، فاطمه و طاهری، طوبی. (۱۳۹۴). *معماری کپر؛ با نگاهی به توپ رمشکی*. همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد.

- طبسی، محسن. (۱۳۸۴). *معرفی و بررسی ویژگی‌های مسکن روستایی سیستان و بلوچستان*. مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۰، ۴۷-۳۶.
- ملک‌زاده، حسنا و کوششگران، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۹۶). *گونه‌شناسی معماری کپری نیمه‌جنوبی بلوچستان ایران*. معماری اقلیم گرم و خشک، ۵(۶)، ۸۱-۹۶.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
- معماریان، غلامحسین و طبرسا، محمد. (۱۳۹۲). *گونه و گونه‌شناسی معماری*. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۶، پاییز و زمستان، ۱۰۳-۱۱۴.
- محسنی‌زاده کرمانی، فائزه و طبائیان، سیده‌مرضیه و شاهدی، بهرام. (۱۴۰۲). *قیاس تطبیقی تأثیر متقابل برگزاری مراسم آیینی در فرهنگ قبایل و شیوه ساخت سکونتگاه‌های بومی سبک کپری (نمونه موردی: مضیف اعراب و خانه‌های علفی ویجیتا)*. بنیان‌های حکمی-فلسفی هنر ایرانی، ۲(۲).
- میرجانی، حمید و امیری، اعظم. (۱۳۹۷). *الگوهای معماری سبک روستایی حوزه فرهنگی هلیل‌رود (کوار، کتوک، کپر)*. معماری اقلیم گرم و خشک، ۶(۷)، ۱-۲۲.
- میزبان، مهدی. (۱۳۹۵). *مسئول دفتر مطالعات امور عشایر وزارت جهاد کشاورزی*. ضبط مشاهدات به شیوه مصاحبه.
- نادری‌خادم، وحید و رشیدی‌شریف، سیاوش. (۱۳۹۸). *طراحی مجتمع تفریحی فرهنگی شهر قلعه‌گنج با محوریت بهره‌گیری از فرهنگ و مصالح بومی*. فصلنامه معماری سبز، ۵(۴).
- وزیر کرمانی، احمدعلی‌خان. (۱۳۸۵). *تاریخ کرمان*. به تصحیح باستانی پاریزی. تهران: نشر علم.
- Broadbent, Geoffrey. C. A. Brebbia. (2008). *Eco-architecture II: Harmonisation Between Architecture and Nature*. Vol. 113. WIT Press, 2008.
- Cataldi, Pierre. (2016). *Abitazioni primitive. Il processo evolutivo dei tipi edilizi nel mondo – Primitive Dwellings*. The Evolutionary Process of Building Types in the World. Firenze: Aión Edizioni.
- Fathy, Hassan. (1986). *Natural energy and vernacular architecture: Principles and examples with reference to hot arid climates*. University of Chicago Press.
- Kahn, Luyd. Easton, Bob. (2010). *Shelter II*. Bolinas Calif: Shelter Publications; Distributed in the United States by Publishers Group West.
- Oliver, Paul. (2006). *Built to meet needs: Cultural issues in vernacular architecture*. Routledge.
- Rapoport, Amos. (1969). *House form and culture*. Prentice-Hall.
- URL 1: <https://hamyartarahi.com/product/map-iran-png-file/>
- URL 2: <https://cdn.isna.ir/d/off/alborz/2021/03/04/4/61870310.jpg>
- URL 3: https://shoaresal.ir/files/fa/news/1402/7/8/1192706_601.jpg
- URL 4: https://cdn.vjc.ir/files/fa/news/1391/6/25/332714_252.jpg
- URL 5: <https://sk.mcth.ir/wp-content/uploads/2022/12/khar-khune.jpg>